

یادداشت

حکمرانی مالی هنر پرسیدن سؤال درست

امیر خسروی

تحلیلگر و پژوهشگر مالیه عمومی و حکمرانی مالی

بسیاری از ناگامی‌های مالی و اجرایی نه از فقدان قانون و تصمیم، بلکه از تشخیص نادرست مسئله، بی‌توجهی به تغییر شرایط و تکرار راه‌حل‌هایی ناشی می‌شوند که پیش‌تر نیز نتیجه مطلوبی نداشته‌اند. گاهی تصمیمی پیش از شناخت علل مسئله گرفته می‌شود؛ گاهی مجری با موانع تازه روبه‌روست، اما آنها را به‌موقع گزارش نمی‌کند؛ و گاهی ناظر عدم تحقق هدف را ثبت می‌کند، بی‌آنکه روشن سازد چه عاملی مانع موفقیت شده است. نقطه آغاز اصلاح این چرخه، پرسیدن سؤال درست است.

۱) سؤال درست؛ مقدمه تصمیم درست

فرض کنیم درآمدهای پیش‌بینی‌شده بودجه تحقق نیافته‌اند. آیا برآورد اولیه غیرواقع‌بینانه بوده، وصول درآمدها ضعف داشته، شرایط اقتصادی تغییر کرده یا هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده پدید آمده‌اند؟ هر پاسخ، راه‌حل متفاوتی می‌طلبد. اگر علت درست تشخیص داده نشود، ممکن است سیاست‌گذار به جای اصلاح برآوردها یا رفع موانع وصول، به کاهش شتاب‌زده هزینه‌های ضروری یا افزایش تعهدات جدید روی آورد. در حکمرانی مالی، باید میان واقعیت مشاهده‌شده، علت احتمالی و راه‌حل پیشنهادی تمایز گذاشت. پرسشگری مؤثر یعنی بررسی فرضیه‌های موجود با شواهد، نه انتخاب پاسخی که از ابتدا با ذهنیت تصمیم‌گیر سازگار است.

همچنین، درست یا نادرست بودن یک اقدام را نمی‌توان مستقل از زمان و شرایط آن سنجید. اقدامی ممکن است در زمان خود مناسب بوده باشد، اما با تغییر اولویت‌ها یا محدودیت منابع، ادامه آن دیگر به‌ترین گزینه نباشد. تشخیص این تفاوت، بدون پرسشگری مستمر ممکن نیست.

۲) سه ضلع پرسشگری در حکمرانی مالی

سیاست‌گذار باید پرسد: آیا مسئله و اولویت همچنان معتبر است؟ آیا شواهد تازه، تغییر سیاست یا بازنگری در ابزارهای اجرایی را ضروری می‌کند؟ مجری باید پرسد: آیا منابع، اختیارات و شرایط لازم برای اجرای سیاست فراهم است؟ چه مانعی پدید آمده و چه اقدامی در چارچوب قانون می‌تواند آن را برطرف کند؟ وظیفه مجری تنها اجرای دستور یا گزارش عدم تحقق نیست؛ او باید تغییرات مؤثر را مستند و به‌موقع به سیاست‌گذار منتقل کند و پیشنهاد اصلاحی ارائه دهد. ناظر باید پرسد: تصمیم بر پایه چه اطلاعاتی گرفته شده؟ آیا شرایط تغییر کرد؟ مجری چه واکنشی نشان داد و سیاست‌گذار چگونه پاسخ داد؟ آیا انحراف ناشی از تخلف، ضعف اجرا، طراحی نامناسب سیاست یا عوامل بیرونی بوده است؟ در این مرحله، موضوع مسئولیت باقی‌مانده اهمیت پیدا می‌کند که آن عبارت است از سهمی از فاصله میان هدف و عملکرد که پس از شناسایی و سنجش عوامل بیرونی واقعی، همچنان به وظایف، اختیارات، تصمیم‌ها یا ترک فعل‌های دستگاه اجرایی مربوط است. تغییر شرایط، به خودی خود مسئولیت را از بین نمی‌برد؛ همان‌طورکه پابندی ظاهری به برنامه اولیه، در صورت نادیده‌گرفتن تحولات مؤثر، لزوماً نشانه عملکرد مطلوب نیست. این معیار کمک می‌کند تغییر واقعی شرایط از فراقتی مسئولیت، تفکیک شود.

۳) پرونده تصمیم: حلقه اتصال سیاست، اجرا و نظارت

برای تصمیم‌های مهم مالی و اقتصادی، باید «پرونده تصمیم» تشکیل شود؛ پرونده‌ای که مسئله، شواهد، علل احتمالی، گزینه‌های جایگزین، هزینه‌ها، مخاطرات و نتایج مورد انتظار را ثبت کند. در ادامه نیز تغییر شرایط، هشدارهای مجری، پاسخ سیاست‌گذار، دلایل ادامه یا اصلاح سیاست و نتایج واقعی در همان پرونده درج شود. اهمیت این ابزار در آن است که تصمیم را از یک دستور مقطعی به فرایندی قابل ردیابی و یادگیرنده تبدیل می‌کند. پیش از تکرار یک حکم قانونی کم‌اثر نیز باید پرسید چرا اجرا نشده، چه موانعی وجود داشته و آیا تکرار آن بدون رفع علت، نتیجه‌ای متفاوت خواهد داشت؟ برای نمونه، در گزارش تفریع بودجه سال ۱۴۰۲ دیوان محاسبات کشور، از میان ۴۴۷ حکم بررسی‌شده، ۵۲ حکم فاقد عملکرد اعلام شد. همچنین تأخیر در تصویب شماری از آیین‌نامه‌ها به عدم اجرا یا اجرای ناقص احکام مرتبط انجامیده بود. این آمار به‌تنهایی علت همه موارد عدم اجرا را مشخص نمی‌کند؛ اما ضرورت بررسی موانع اجرا و تفکیک مسئولیت‌ها را نشان می‌دهد. پیش از تکرار حکم، باید روشن شود مشکل از طراحی آن، تأخیر در تدوین مقررات، کمبود منابع، ضعف اجرا یا عوامل دیگری ناشی شده است.

۴) هوش مصنوعی؛ پشتیبان تشخیص و تصمیم

امروزه سامانه‌های پشتیبان تصمیم مدیریت (DSS) و هوش مصنوعی می‌توانند به شناسایی روندها، کشف انحراف از اهداف، مقایسه سناریوها و هشدار زودهنگام کمک کنند. برای مثال، اگر درآمدی کمتر از پیش‌بینی محقق نشود، سامانه می‌تواند تغییرات وصول، مفروضات بودجه و سوابق دوره‌های مشابه را کنار هم قرار دهد تا بررسی علت‌ها هدفمندتر شود.
باین حال، فناوری جایگزین قضاوت کارشناسی و مسئولیت انسانی نیست. داده ناقص، تعریف نادرست مسئله یا الگوریتم نامتناسب می‌تواند به تشخیص اشتباه منجر شود. ارزش فناوری زمانی آشکار می‌شود که اطلاعات معتبر را به فهم بهتر مسئله، تصمیم آگاهانه‌تر و اقدام اصلاحی به موقع تبدیل کند.
مؤسسات علمی و پژوهشی دولتی و غیردولتی نیز باید پشتیبان دانشی این چرخه باشند؛ برای سیاست‌گذار، شواهد و گزینه‌های تصمیم را فراهم کنند؛ برای مجری، موانع و راه‌راه عملی را بسنجند و برای ناظر، روش‌های ارزیابی عملکرد و تشخیص علل انحراف را توسعه دهند.
پیوند پژوهش با مسائل واقعی دستگاه‌ها، شرط تبدیل دانش به اصلاح حکمرانی است.

۵) از نظارت بر عملکرد تا یادگیری حکمرانی

سازمان برنامه و بودجه کشور و سازمان اداری و استخدامی می‌توانند چارچوب مشترکی برای مستندسازی تصمیم‌های مهم، ثبت تغییر شرایط و بازبینی سیاست‌ها طراحی کنند. در این چارچوب، هشدار مجری باید قابل ردیابی باشد، پاسخ سیاست‌گذار مستند شود و ناظر بتواند میان تخلف، ضعف اجرا، نقص طراحی و محدودیت‌های بیرونی تمایز بگذارد. دستگاه‌های نظارتی نیز می‌توانند در حدود صلاحیت قانونی خود، مستندات تصمیم، انطباق عملکرد و پیگیری اصلاحات را بررسی کنند. هدف، افزایش اسناد اداری نیست؛ هدف آن است که هر تصمیم مهم، امکان فهم چرایی انتخاب، ارزیابی نتیجه و اصلاح مسیر را فراهم کند. استقرار نظام حکمرانی مالی داده‌مبنّا (با توجه به الزام بند پ ماده ۱۰۷ قانون برنامه هفتم پیشرفت) هنگامی تحقق می‌یابد که داده‌ها فقط برای گزارش گذشته به کار نروند، بلکه در تشخیص زودهنگام مسئله و بازنگری به موقع تصمیم‌ها نیز نقش داشته باشند. حکمرانی مالی اثربخش فقط به تصمیم درست نیاز ندارد؛ به پرسش درست، در زمان درست و از سوی مسئول درست نیازمند است. تصمیمی که از شناخت مسئله آغاز نشود، ممکن است به سیاستی کم‌اثر تبدیل شود؛ سیاستی که با تغییر شرایط بازبینی نشود، از واقعیت عقب می‌ماند؛ و نظارتی که علت ناگامی و مسئولیت باقی‌مانده را روشن نکند، به جای اصلاح چرخه تصمیم‌گیری، صرفاً ناگامی آن را ثبت خواهد کرد.



عکاس: محمدحسین

گزارش تحلیلی-آماری «شرق» از ابعاد حقوقی و اجتماعی زنانی که زیر سقف خانه کشته شدند

ردپای خشونت خانگی در ۲۸ پرونده زن‌کشی

این شرایط، اعضای خانواده و نزدیکان قربانیان، تجربه‌ای بسیار ناخوشایند و سرشار از درد و رنج را از سر می‌گذرانند. بنابراین به دو برنامه بلندمدت و کوتاه‌مدت نیاز است. در برنامه کوتاه‌مدت باید شرایطی فراهم شود که زنان و کودکان بتوانند در محیطی امن‌تر زندگی کنند. در این مسیر، نقش قوه قضائیه، مجلس و سایر نهادهای مسئول در تدوین و اجرای قوانین حمایتی اهمیت بسیاری دارد. باید بررسی کنیم که زنان در شرایط بحرانی زندگی تا چه اندازه به قوانین حمایتی دسترسی دارند تا همه افراد جامعه بدون تبعیض زیر چتر حمایت قرار بگیرند».
ارشد در بخش دیگر صحبت‌هایش اضافه می‌کند: «انتظار دارم مجلس شورای اسلامی به تقویت قوانین بازدارنده توجه کند؛ قوانینی که بتوانند در کوتاه‌مدت و به صورت آزمایشی اجرا و ارزیابی شوند و پس از بررسی نتایج، در صورت لزوم به تصویب نهایی برسند و در جامعه جاری شوند. مقابله با خشونت تنها به تصویب قانون محدود نمی‌شود و به حساسیت و مداخله به‌موقع نهادهای مختلف نیاز دارد. باید درباره این مسائل گفت‌وگو شود و معلمان، مدیران مدارس، مسئولان بهزیستی، پلیس و دیگر نهادهای مرتبط نسبت به نشانه‌های خشونت هوشیار باشند. لازم است حساسیت اجتماعی نسبت به این موارد افزایش پیدا کند تا نشانه‌های خشونت شناسایی و پیگیری شوند و مداخلات مستمر و عمیق باشند. محکوم‌کردن و تقییح این جنایت‌ها می‌تواند در کوتاه‌مدت نقش بازدارنده داشته باشد».

مجازات غیرمتناسب در فرزندکشی به دست پدر همیشه بحث‌برانگیز است و این فعال اجتماعی توضیح می‌دهد: «ماده ۳۰۴ قانون مجازات اسلامی به قصاص در جنایت عمدی نسبت می‌افراد نابالغ اشاره دارد. فارغ از اینکه چه دیدگاهی درباره قصاص یا اعدام داشته باشیم، مسئله این است که در مواردی که پدر یا جد پدری با محدودیت‌های قانونی در مجازات مواجه می‌شود، این وضعیت می‌تواند اثر بازدارندگی مجازات را تضعیف کند.

تعداد	منطقه	تاریخ	موضوع
۱	سندج	۱ شهریور	آتوسا جعفری ۲۷ ساله با ضربات متعدد چاقو توسط همسر سابقش کشته شد
۲	مشهد	۵ شهریور	زهر ا و دو کودک خردسالش توسط همسر سر بریده شدند و قاتل بعد از قتل خودکشی کرد
۳	کرمانشاه	۷ شهریور	هانا راکان دختر ۱۶ ساله به دلیل مخالفت با ازدواج اجباری، در خواب به ضرب گلوله توسط پدر کشته شد. هانا به اجبار بعد از کلاس چهارم دبستان ترک تحصیل کرد
۴	چشم‌نمازندران	۲۱ شهریور	افسانه محمدی طاه‌ا ۳۲ ساله و مادر دو کودک توسط شوهرش با ضربات متعدد چاقو در وسط خیابان کشته شد
۵	روستای مهرگان کرمانشاه	۲۶ شهریور	سهیلا محمودی ۴۵ ساله با ضرب گلوله توسط برادرش کشته شد
۶	مشهد	۲۷ شهریور	میترا سعادت ۴۰ ساله توسط مرد ناشناس در خانه خود با دستان بسته مورد حمله با ضربات چاقو قرار گرفت و سپس سوزانده شده است
۷	کرج	۳۱ شهریور	یک زن در محل کارش به ضرب گلوله توسط همسر سابق کشته شد
۸	بم	۳۱ شهریور	فاطمه سادات طباطبایی بعد از خشونت های خانگی و درخواست طلاق توسط همسر کشته شد
۹	شاهرود	۱ مهر	کشته شدن دختر ۱۳ ساله با اسلحه توسط برادر
۱۰	خراسان شمالی	۱ مهر	مرگ یک زن توسط همسر بعد از خشونت های خانگی مکرر و تلاش مرد برای صحنه‌سازی خودکشی زن
۱۱	مهاباد	۳ مهر	شیلان گوشه دختر ۱۵ ساله ۱۵ روز بعد از ازدواج و پس از اختلاف با همسر و خانواده همسر خودکشی کرد که این خودکشی مشکوک به قتل عنوان شد
۱۲	مومعه سرا	۶ مهر	در پی اختلاف خانوادگی شدید، یک زن به همراه کودکش توسط همسر کشته شد
۱۳	خاکسفيدتهران	۸ مهر	رقیبه ابراهیمی به دلیل درخواست طلاق در آتش سوزی عمدی خانه توسط همسر کشته‌شد
۱۴	تبریز	۹ مهر	یک زن توسط همسرش کشته شد که همسر تلاش کرده بود موضوع مرگ را صحنه سازی یک تصادف نمایش دهد
۱۵	قشم	۱۳ مهر	مریم یارمحمدی دختر ۲۸ ساله توسط برادر و همسرش مثله شد
۱۶	کرمانشاه	۱۳ مهر	فاطمه لطفی ۴۶ ساله و دخترش زهرا شهبازی ۲۶ ساله توسط پسر خانواده با ضرب گلوله کشته‌شدند
۱۷	اصفهان	۱۳ مهر	زنی توسط همسرش سر بریده شد
۱۸	سیریک	۱۴ مهر	زن میانسال توسط پسرش کشته شد (پسر مصرف کننده شیشه گزارش شده)
۱۹	فارس	۱۵ مهر	زن ۲۶ ساله توسط همسر ۵۵ ساله‌ش به دلیل قصور در امور خانهداری کشته شد
۲۰	اصفهان	۱۶ مهر	مینا سلطانی ۴۰ ساله مادر دو پسر ۲۰ و ۱۰ ساله توسط همسرش با ضربات متعدد چاقو به سینه و گردن به قتل رسید
۲۱	مجیدیهتهران	۱۷ مهر	کشته شدن زن ۷۰ ساله با خفگی توسط همسر به دلیل محبت با مرد غریبه در خیابان
۲۲	خراسان رضوی	۱۷ مهر	یگانه حسینی زایی ۱۶ ساله کودک همسر کشته شده توسط همسر
۲۳	ایرانشهر	۱۷ مهر	آرزو باهری کودک دو ساله با ضرب و شتم پدر کشته شد
۲۴	دهلران	۱۸ مهر	یک زن که همسر دوم بوده به همراه دوقلوهای ۹ ساله و پسر ۱۳ ساله زن اول همسرش توسط شوهر ۵۷ ساله کشته شدند و مرد هم خودکشی کرد
۲۵	تبریز	۲۰ مهر	یک زن و دو کودکش به دلیل اختلاف خانوادگی توسط همسر کشته شدند
۲۶	روستای احمدآباد شهرستان ملک‌چوین خراسان رضوی	۲۳ مهر	یک زن توسط همسرش کشته شد
۲۷	دیواندره	۲۵ مهر	سیده چمن نقشبندی ۴۴ ساله با ضربات چاقوی همسر ۷۰ ساله کشته شد
۲۸	شهرک غرب تهران	۲۷ مهر	قتل زن و مادر زن توسط همسر

شرق

تعداد خانه‌های امن اشاره می‌کند: «باید تعداد خانه‌های امن افزایش پیدا کند تا افرادی که با خشونت مواجه هستند، بتوانند در شرایط بحرانی به این مراکز مراجعه کنند و برای خود و فرزندان‌شان کمک بگیرند. وقتی افراد بدانند در صورت مواجهه با خشونت، امکان دریافت حمایت و دسترسی به مکانی امن را دارند، احتمال مداخله به‌موقع و پیشگیری از قتل و جنایت افزایش پیدا می‌کند».

سکوت خطرناک در برابر خشونت خانگی

خشونت خانگی دره‌ره پیش می‌رود و در آخر جنایتی را رقم می‌زند. اما نشانه‌های خشونت خانگی قابل شناسایی هستند و فاطمه باباخانی، وکیل و فعال حقوق زنان، در گفت‌وگو با «شرق» به این نشانه‌ها اشاره می‌کند که در صورت مشاهده اقدام به موقع صورت گیرد: «چند نشانه مهم وجود دارد که می‌توانند هشدار جدی درباره احتمال تشدید خشونت خانگی باشند. تهدیدهای مکرر به آسیب‌زدن، قتل یا سوزاندن فرد از جمله این نشانه‌ها هستند. همچنین حبس خانگی، به این معنا که فرد امکان ارتباط با بیرون از خانه را نداشته باشد و حتی از دسترسی به تلفن محروم شود، زنگ خطر جدی است که می‌تواند ضرورت مداخله فوری نزدیکان، پلیس یا اورژانس اجتماعی را نشان دهد. همچنین وقتی نشانه‌هایی از خشونت با محتوای ناموسی وجود دارد، باید احتمال وقوع آسیب جدی را در نظر گرفت و برای مداخله سریع اقدام کرد. محروم‌کردن فرد از ارتباط با شبکه‌های حمایتی، نهادهای مدنی، مشاوران، اورژانس اجتماعی و حتی اعضای خانواده از دیگر نشانه‌های هشداردهنده است. در بسیاری از مواردی که بررسی کرده‌ایم و در نهایت به قتل خانوادگی منجر شده‌اند، این نشانه‌ها به‌تدریج و در کنار یکدیگر بروز کرده‌اند». شبکه مطلعین در این شرایط اهمیت زیادی دارند و این فسال حقوق زنان درباره آن توضیح می‌دهد: «یکی از اقدامات مهم، تشکیل شبکه‌ای از افراد مطلع و مورد اعتماد است. مثلاً فردی که در معرض خشونت قرار دارد، می‌تواند با خواهر، دوست یا یکی از نزدیکانش درباره یک کلمه یا علامت مشخص در پیام‌ها توافق کند. علامتی که در صورت استفاده از آن، اطرافیان متوجه شوند فرد در موقعیت خطر قرار گرفته و به کمک فوری نیاز دارد. پیگیری و تماس با فردی که احتمال می‌دهیم در شرایط خطر قرار دارد، اهمیت زیادی دارد. اگر فرد برخلاف روال معمول نتواند پاسخ‌گوی تماس‌ها باشد یا امکان برقراری ارتباط وجود نداشته باشد، باید از وضعیت را جدی گرفت و احتمال وجود خطر را در نظر داشت. در چنین شرایطی، شبکه حمایتی باید سریع اقدام کند و در صورت وجود نشانه‌های خطر فوری، از پلیس یا اورژانس اجتماعی کمک بگیرد». افرادی که شاهد خشونت خانگی نزدیکان خود هستند، مسئولیتی اجتماعی و اخلاقی دارند؛ باخانی به این نکته اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «بخش دیگری از مسئله، سکوت کسانی است که شاهد خشونت هستند یا از آن اطلاع دارند. افراد زیادی از خشونتی که در خانه همسایه، میان بستگان، دوستان یا نزدیکانشان اتفاق می‌افتد باخبرند، اما واکنشی نشان نمی‌دهند. درحالی‌که بی‌تفاوتی در برابر چنین شرایطی می‌تواند فرصت مداخله و جلوگیری از آسیب را بین ببرد. افرادی که احتمال می‌دهند زنی در معرض خشونت جدی قرار دارد، می‌توانند موضوع را به اورژانس اجتماعی یا پلیس اطلاع دهند و پیگیری تخصصی را به نهادهای مسئول بسپارند. نگرانی از آشکارشدن هویت گزارش‌دهنده نباید مانع درخواست کمک بشود؛ افراد می‌توانند هنگام تماس درباره محرمانگی اطلاعات خود سؤال و از مسیرهای رسمی برای گزارش وضعیت استفاده کنند».

۳۶۰ هزار امضا برای توقف زن‌کشی

خشونت خانگی برای بخش قابل توجه جامعه مهم است و در بزنگاه‌های اجتماعی نسبت به وقوع آن واکنش نشان می‌دهند. حامد بیدی، مدیرعامل پلتفرم «کارزار»، در گفت‌وگو با «شرق» از ثبت کارزارهای متعدد در حوزه خشونت خانگی توضیح می‌دهد: «تعداد کارزارهایی که به‌طور مشخص با موضوع زن‌کشی در پلتفرم کارزار میزبانی شده‌اند، ۲۶ مورد است. اما اگر دامنه موضوع را گسترده‌تر در نظر بگیریم و موضوعاتی مانند نابرابری در برخورداری از حق حیات، خشونت خانگی، قتل فرزندان و اسیدپاشی را هم در این دسته‌بندی قرار دهیم، تاکنون ۶۳ کارزار با بیش از ۳۶۰ هزار امضا در پلتفرم ما میزبانی شده است. بسیاری از این کارزارها پس از انتشار اخبار مربوط به حوادث تلخ و فاجعه‌بار شکل گرفته‌اند؛ اخباری که واکنش گسترده افکار عمومی را به دنبال داشته‌اند. به نظر بازتاب این رویدادها نشان می‌دهد روایت‌های ملموس از خشونت و پیامدهای آن تا چه اندازه می‌توانند در جلب توجه جامعه و شک‌گیری موج‌های مطالبه‌گری مؤثر باشند. با این حال بیش از ۱۰ سال از زمانی که موضوع لایحه تأمین امنیت زنان مطرح شده می‌گذرد، اما این لایحه هنوز به تصویب نهایی نرسیده است.
باین حال، تأثیرگذاری یک کارزار را نباید فقط با نتیجه مستقیم آن در فرایند قانون‌گذاری سنجید؛ این کارزارها می‌توانند در حوزه فرهنگی و اجتماعی نیز اثرگذار باشند».
بیدی به اهمیت جمع‌آوری امضا اشاره دارد که همین هم به نوعی پویایی جامعه را تشدید می‌کند؛ او توضیح می‌دهد: «بخشی از این فجاجع به باورهای نادرستی برمی‌گردد که درباره مفاهیمی مانند غیرت، تعصب و آبرو در جامعه وجود دارد. در مواردی پدران، دختران خود یا مردان، همسرانشان را با توجیه حفظ آبرو و برهمبانی همین برداشت‌های نادرست به قتل می‌رسانند یا در معرض خشونت قرار می‌دهند. در چنین شرایطی، کارزارهای جمع‌آوری امضا می‌توانند به عنوان ابزاری برای مطالبه‌گری و آگاهی‌بخشی عمومی عمل کرده و توجیه جامعه را به این مسائل جلب کنند و به اصلاح تدریجی این باورها کمک برسانند. مثلاً در یکی از موارد، خواهر زنی که به دست همسرش به قتل رسیده بود، با دفتر کارزار تماس گرفت و درخواست کمک کرد. او می‌گفت خواهرش به دست همسرش کشته شده و خودش هم در معرض خشونت قرار دارد. چنین مواردی نشان می‌دهد موضوع خشونت خانگی صرفاً یک مسئله خبری یا یک مطالبه عمومی نیست؛ گاهی افرادی که خودشان در معرض خطر قرار دارند به دنبال راهی برای شنیده‌شدن و دریافت حمایت هستند. اهمیت این مطالبه‌گری فقط در تعداد امضاها یا میزان بازتاب رسانه‌ای خلاصه نمی‌شود. طرح عمومی مسئله خشونت علیه زنان، جلب توجه به خلا‌های قانونی و به چالش کشیدن باورهایی که خشونت را توجیه می‌کنند، بخشی از فرایندی است که می‌تواند زمینه تغییرات اجتماعی را فراهم کند».

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید